

نقش عنصر زمان و مکان در اجتهاد شیعی

دکتر سیده مصطفی محقق داماد
رئیس گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس

مسأله همواره خاطر بیشتر اندیشمندان اسلامی را به خود مشغول کرده است.

ابن قیم در این باره می‌گوید: «اختلاف فتاوی به موجب اختلاف زمان، مکان، احوال، نیتها و منافع صورت می‌گیرد.» او همچنین اشاره می‌کند که: «به علت آشنا نبودن به این حقیقت، اشتباهی بزرگ در امور شریعت راه یافت و مایه حرج و مشقت و تکلیف بمالایطاق گردیده است، در صورتی که شریعت روشن اسلامی متکفل عالیترین مصالح انسانیت است و هرگز سختی و مشقت به همراه ندارد»^۱.

علمای امامیه برای حل این معضل طرقی گوناگون ارائه کرده‌اند که مجموع آنها را می‌توان «اجتهاد مستمر» نامید.

در این مجال تا آنجا که ممکن است به یکی دو نمونه از راه‌های ارائه شده در این مسأله یعنی تطبیق ثابت دین بر متغیر زمان اشاره می‌شود:

۱. این مقاله، متن سخنرانی ایراد شده در دانشگاه شیراز است.

۲. اعلام الموقعین؛ ج ۳، ص ۱.

فقهای امامیه با اعتقاد به دو اصل مسلم «ختم نبوت» و «بقای دین» همواره در این اندیشه بوده‌اند که ثابت دین را با متغیر زمان منطبق سازند. ناگفته پیداست که اعتقاد به مسأله خاتمیت و بقای دین دو مقوله جدا از هم است و هیچ ملازمه‌ای با یکدیگر ندارد. بسا ممکن است شخصی به خاتمیت معتقد باشد، ولی به بقای دین اعتقاد نداشته باشد؛ بدین معنی که ممکن است خاتمیت نبوت را ختم دین تعبیر کند. با چنین اعتقادی دیگر «بقای دین» معنی ندارد؛ چرا که به موجب آن، بساط دین جمع شده است؛ اما دانشمندان امامیه به ختم نبوت و در کنار آن به بقای دیانت اعتقاد دارند.

با قبول این دو اصل مسأله‌ای که بلافاصله مطرح می‌شود، تغییر و تحول زمان است؛ زمان به سرعت رو به تغییر است، شرایط عوض می‌شود، و تطورات تاریخی پیش می‌آید، حال چگونه می‌توان جامعه متغیر و در دست تحول را با امری ثابت به نام دین اداره کرد؟ چگونه می‌توان این متغیر را به آن ثابت مرتبط کرد و تطبیق داد؟ این